

تبیین مولفه‌های کالبدی معماری مسکونی از ادبیات داستانی دوره پهلوی دوم شهر تهران*

سارا حسینی^۱ - فریبا البرزی^{۲*} - امیرحسین امینی^۳

۱. پژوهشگر دکتری، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
۲. استادیار گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استادیار گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲ تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۹/۰۸/۲۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۹/۱۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

چکیده

خانه اولین مکان برای پاسخ‌گویی به تقاضای افراد برای یک زندگی با کیفیت می‌باشد، بنا به آن کیفیت خانه‌های عموم مردم و شناخت و بررسی آن در جامعه حائز اهمیت قرار می‌گیرد. ادبیات و داستان نیز به دلیل حقیقت‌مانند بودن‌شان، می‌توانند گویای واقعیات هر دوره از زندگی مردم باشند. دوره پهلوی دوم، به دلیل تحولات زیادش در زمینه خانه‌سازی و پیشرفت در زمینه ادبی و تعداد آثار ادبی، بستر مناسبی برای پژوهش در این دوره می‌باشد. بنابراین می‌توان از ادبیات داستانی اعم از مجموعه داستان و رمان‌های مرتبط با موضوع پژوهش در این دوره، بهره جست. به نظر می‌رسد ارتباط نزدیکی بین معماری و ادبیات در رابطه با مولفه‌های کالبدی خانه وجود داشته باشد. لذا با توجه به متون استخراجی و مفاهیم توصیف‌شده از کتاب‌های داستانی مربوط به این دوره، می‌توان به شناخت هر چه بیش‌تر فضاهای این خانه‌ها پی برد. هدف از این پژوهش، بررسی نقش ادبیات داستانی در ارتباط با معماری و شناسایی مولفه‌های کالبدی معماری مسکونی از متون کتاب‌های داستانی و بازیابی آن‌ها در خانه‌های شهر تهران است. روش تحقیق حاضر نیز، تحلیل محتوای متن با کاربست شیوه هرمنوتیک در تحلیل معنا و محتوا می‌باشد که ابزارهای تحقیق از نوع مطالعات اسنادی با روش نمونه‌گیری هدف‌مند از میان آثار نویسندگان دوره پهلوی دوم انتخاب گردیده‌اند و در ادامه با روش توصیفی - تحلیلی، مقایسه تطبیقی میان مفاهیم استخراج شده از متون و نمونه‌های موردی صورت می‌گیرد. نتایج حاصل نشان‌دهنده آن است که با مطالعه کتاب‌های داستانی می‌توان به استخراج مولفه‌های معماری خانه‌ها پرداخت. این مولفه‌ها پس از دسته‌بندی در بعد کالبدی، نشان می‌دهند که ظهور مولفه‌های مربوط به فضاهای بسته نسبت به فضاهای باز و نیمه‌باز، پررنگ‌تر بوده‌اند که از میان مفاهیم معماری پرکاربرد در کتاب‌های بررسی‌شده، می‌توان به موارد: راهرو، پله و راه‌پله، تعدد اتاق‌ها با کاربری‌های مجزا، وجود حیاط و حوض و تعدد پنجره اشاره نمود.

واژگان کلیدی: خانه، معماری و ادبیات، مولفه‌های کالبدی، دوره پهلوی دوم، تهران.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری سارا حسینی تحت عنوان «خوانش مولفه‌های معماری مسکونی ایران در دوره پهلوی دوم با بازخوانی ادبیات داستانی» است که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین در حال انجام است.

۱. مقدمه

با توجه به این که فرم خانه و مسکن در بستر جامعه شکل می‌گیرد، می‌توان به تاثیرپذیری محیط زیست انسانی و مسکن از اجتماع اشاره کرد. دوره پهلوی دوم، از دهه‌های ویژه تاریخ معاصر جهان از نظر تحولات فکری و تکنولوژیکی است و بر ایران آن زمان نیز تاثیرگذار بوده است و در دو دهه پایانی این دوره در حوزه معماری مسکونی، پیشرفت‌های قابل توجهی در ایران مشاهده می‌شود بنابراین مطالعه فضاهای سکونتی در ابعاد مختلف می‌تواند حائز اهمیت قرار گیرد. اهمیت خاص ادبی دوره پهلوی دوم به دلیل نسبت بیش‌تر آثار ادبی این دوره در مقایسه با دوره‌های قبل و بعد از آن بوده که روند شکل‌گیری "کانون نویسندگان ایران" خود ادعایی در راستای شکل‌گیری جریان ادبی جدید است (میرعابدینی، ۱۳۸۷، ۴۱۰). توجه به پیشرفت چشم‌گیر ادبیات داستانی در دوره پهلوی دوم و ظهور نویسندگانی با شهرت بالا در تاریخ ادبی ایران، دلیل انتخاب آنان از این دوره شده است. در زمینه ارتباط بین ادبیات و جامعه هم، می‌توان به توجه و نفوذ ادبیات به درون انسان‌ها و جامعه اشاره کرد. پس با شناخت ادبیات داستانی این دوره و بررسی محتوای آن‌ها که بر مبنای معماری مسکونی و توصیف خانه‌ها و زندگی آن دوران مردم روایت شده‌اند، می‌توان در صدد پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش حاضر بود که روایت این داستان‌ها در مقایسه با توصیف معماری مسکونی این دوره از بعد کدام مفاهیم بوده است؟ و چگونه سلسله موارد مرتبط با مفاهیم خانه در دل داستان‌ها آمده‌اند؟ بدین ترتیب با بازخوانی ادبیات داستانی ابتدا سعی در شناسایی مولفه‌های معماری مسکونی و سپس بعد از معرفی و شناخت آن‌ها، به مقایسه و بررسی با نمونه خانه‌های موجود در بازه زمانی دوره پهلوی دوم پرداخته شده است. در روند بررسی، مناسب‌ترین رویکرد و مولفه‌ها با توجه به متون داستان‌ها به عنوان مولفه نظری و مدل پژوهش در نظر گرفته می‌شوند. با توجه به شروع روند تغییرات اجتماعی و معماری از پایتخت کشور و گسترش تحولات آن، این پژوهش به بررسی مولفه‌های معماری مسکونی شهر تهران می‌پردازد.

۲. پیشینه تحقیق

از جمله مطالعات انجام شده در زمینه سکونت، می‌توان به نظریات کریستین نوربرگ-شولتز^۱ در کتاب مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی (نوربری-شولتز، ۱۳۹۴) اشاره کرد که اهمیت هر چه بیش‌تر آن را بیان می‌نماید، از نظر هایدگر^۲، سکونت کردن حاصل اندیشیدن و ساختن است و منوط به قرارگیری این دو کنار یک‌دیگر است (شوی، ۱۳۷۵) و خانه را تبلور مرکز هستی می‌داند (پرتوی، ۱۳۸۲). کریستوفر الکساندر^۳، ماهیت مکان را مرتبط با اتفاقات و رویدادها می‌داند (طهوری، ۱۳۸۱).

از نظر استدمن، مکان به عنوان ترکیبی از فعالیت‌های انسانی است که در بستر کالبد و فضای آن شکل می‌گیرد (Stedman, 2003) و اهمیت تعلق کالبدی مکان را می‌توان با توجه به مطالعات ریجر و لاوارکاس دریافت که انسان، محیط و عناصر کالبدی آن را برای ایجاد حس تعلق به خاطر دارد (Riger & Lavrakas, 1981). هیوارد، فهرستی از معانی مربوط به خانه شامل: ساختار کالبدی، قلمرو، مکان مشخص در جهان و غیره را بیان کرده است (Hayward, 1975).

در زمینه جامعه‌شناسی رمان نیز، مطالعات چندی توسط لوسین گلدمن^۴ صورت گرفته است که به رابطه ادبیات در جامعه و بازتاب آن می‌پردازد (گلدمن، ۱۳۷۱). حبیبی در کتاب «قصه شهر: تهران نماد شهر نوپرداز ایرانی»، دگرگونی‌های ساختاری حوزه ادبیات و شهر را در آیین ادبیات معاصر و در لابه‌لای سطور نظم و نثر آن بازگو می‌کند که در نهایت، هر دو با یکدیگر هم‌سو بوده‌اند (حبیبی، ۱۳۹۳). از نظر تاسکین و پالاسما، موضوع معماری در واقع فیلم است که هم معماران و هم فیلم‌سازان با دنیای وهم و ارائه آن در ارتباط هستند (تاسکین و پالاسما، ۱۳۹۵). پیرامون تاریخچه ادبیات داستانی و داستان‌نویسی معاصر ایران هم، میرعابدینی مطالعات بسیاری به انجام رسانیده است که علاوه بر سیر تحول رمان و داستان کوتاه، مهم‌ترین گرایش‌های ادبی هر دوره به همراه نویسندگان و آثارشان شناسایی و طبقه‌بندی شده‌اند (میرعابدینی، ۱۳۹۲). در راستای ارتباط معماری و ادبیات داستانی، در پژوهشی، ارجمندی و یگانه با کمک ادبیات داستانی به بازخوانی هویت شهر تهران پرداخته‌اند (ارجمندی و یگانه، ۱۳۹۶). پژوهش‌ها و تئوری‌های بیان شده در زمینه موضوعات مرتبط با خانه گسترده هستند و به مفهوم سکونت و اهمیت آن و مفاهیم کالبدی و تحولات صورت‌گرفته در خانه، اشاره دارند. در حالی که پژوهش حاضر در نظر دارد تا برای رسیدن به شناخت ریشه تحولات کالبدی خانه در دوران پهلوی دوم در شهر تهران، با شیوه‌ای جدید و از منظر ادبیات داستانی، به جست‌وجو در لابه‌لای متون داستانی بپردازد تا بتواند به دور از یک پیش‌داوری خاص معماری و با کمک توصیفات بیان‌شده در کتاب‌ها از دیدگاه نویسندگان، کیفیت و اهمیت فضایی و ویژگی‌های خانه‌های آن دوره را از زاویه‌ای دیگر و متفاوت بررسی کند.

۳. ادبیات تحقیق

مهم‌ترین و اصلی‌ترین مباحث مرتبط با موضوع نظیر فضا، سکونت، خانه، معماری و ادبیات، سیر تاریخی ادبیات داستانی مورد بررسی قرار می‌گیرند و دیدگاه‌ها و تئوری‌ها بحث می‌شوند:

۳-۱- فضا، سکونت، خانه

فضا در طول تاریخ اصلی‌ترین بخش معماری بوده است و از دیدگاه‌های متنوع فلسفی؛ از کالبدی تا معنا، زیبایی‌شناسی فرمی تا زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است و همواره مسئله مهم نحوه ادراک انسان از فضا است (امینی و سلطان‌زاده، ۱۳۹۶، ۴۶۹). بسیاری از معماران، معماری را به معادل فهم فضا می‌دانند. ادبیات معماری معاصر ایران به شدت تحت تاثیر نگرش فضاگرا قرار دارد. فضا حرف نخست را در محیط‌های آموزشی معماری می‌زند (معماربان، ۱۳۸۴، ۱۲). فضای سکونت‌گاه به طور کلی متأثر از آن سکونتی می‌باشد که در آن اتفاق می‌افتد. بنابراین مسکن، پدیده‌ای اجتماعی به شمار می‌آید که انتظام نوع فضاهای آن، از عوامل مختلفی نظیر اجتماعی و غیره تاثیر می‌پذیرد. آگاهی از مکان و چگونگی قرارگیری در آن در راستای اهمیت بیشتر به سکونت و محل حائز توجه است (نوربری شولتز، ۱۳۹۴). حس مکان، ارتباط مطلوبی مابین ادراکات انسان و محیط، ایجاد و فضا را مکان‌مند می‌نماید (Alborzi & Parvineyan, 2019, p. 1) و معماری دانشی برای خلق شالوده کالبدی- فضایی در پاسخ به نیاز انسان‌ها می‌باشد (فلامکی، ۱۳۵۵، ۵۰) و در آن، فضا جایگاه ویژه‌ای دارد و معمار همانند سایر آفرینندگان هنر، با خلق فضاهای متنوع به القای تاثیرات عاطفی و روحی می‌پردازد. اجزا و عناصر معماری دارای ارتباط مفهومی با زمینه و زندگی روزانه آدمیان هستند (خامسی هامانه، ۱۳۹۲، ۱۶۱). هارولد پروشانسکی^۵ نیز در راستای تاکید بر هویت مکان، بر نقش عوامل کالبدی که به عنوان بخشی از عناصر اجتماعی در محیط محسوب می‌گردند، تاکید اساسی می‌کند (Proshansky, Fabian, 1983 & Kaminoi). تغییرات شهرسازی فقط یکی از عوامل تحولات معماری مسکونی می‌باشند و خانه نمایانگر ارزش‌ها و علاقه‌مندی‌های افراد می‌باشد (Marefat, 1988, p. 155). خانه و معماری آن، به عنوان مهم‌ترین فضای زندگی انسان، پیوسته مورد توجه بوده‌اند. عوامل متعددی در شکل‌گیری فضاهای مسکونی دخیل می‌باشند که در تمامی آن‌ها حفظ روابط فضایی مهم و تاثیرگذار بوده‌اند. سلسله‌مراتبی بودن فضا باعث ایجاد تضاد و تحریک ادراک انسانی می‌شود (امینی و سلطان‌زاده، ۱۳۹۶، ۴۸۰). مجموعه فضاهای سرپوشیده، باز و نیمه سرپوشیده، کالبد بنا را تشکیل می‌دهند و واژگانی چون: فضای بسته، فضای باز، فضای داخلی، فضای واسط، فضای گذر، فضای مکث، روابط فضایی و غیره در معماری مورد بحث قرار می‌گیرند. پس فضای معماری به لحاظ فرمی شامل سه دسته؛ باز، نیمه‌باز و بسته می‌باشد. در قرن بیستم نخستین برداشت از فضای باز نوعی پنداشت "تهی" از فضا و باقی‌مانده احجام پر می‌باشد (Simeoforidis, 1993) فضای نیمه‌باز (نیمه سرپوشیده) گذار نرم از قلمرویی به قلمرو دیگر را ممکن می‌سازد و به عنوان فضای ارتباط‌دهنده فضاهای

باز و بسته، سبب تنوع فضایی و ارتقای کیفیت فضایی می‌شود (راهب و نظری، ۱۳۹۶، ۴۰). پس این فضاها، باعث برقراری ارتباط نزدیک‌تر با طبیعت می‌شوند. با توجه به گفته‌های ونتوری می‌توان گفت که در راستای نقطه برخورد و محل تلاقی فضای اندرون و بیرون، معماری به وجود می‌آید (Venturi, 2002). منظور از فضای بسته نیز، همان ساختمان‌های ساخته‌شده‌ای می‌باشند که در معماری اتفاق می‌افتند. در واقع تمامی فضاهای محصور مانند کف، سقف و جداره، همان فضای بسته را تشکیل می‌دهند که شامل اتاق‌ها و سایر قسمت‌های داخل یک خانه می‌باشند.

با توجه به این که خانه مکانی با کیفیت جهت برقراری آرامش است، بررسی کلیات و جزئیات آن به لحاظ مولفه‌های مختلف ضروری می‌باشد که این امر باعث ایجاد پژوهش‌های مختلفی در مورد خانه‌های معاصر به‌ویژه چندین دهه اخیر شده تا انتقال ویژگی‌های خوب یک خانه که چطور نسل به نسل بر جای مانده و یا به دلایلی حذف و باعث عدم کیفیت خانه‌های امروز شده است، بیش‌تر مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در دوره پهلوی دوم بروز بعضی مسائل در جامعه از جمله افزایش جمعیت و ادامه روند مهاجرت روستاییان به شهرها به‌خصوص در تهران، سبب عدم توجه به نیازهای عاطفی افراد ساکن در خانه‌ها شده و به تدریج باعث کم‌رنگ شدن مفهوم خانه به مثابه گذشته و کاهش کیفیت در خانه‌های امروزی شده است. بنابراین در کنار تصاویر و نقشه‌های نمونه خانه‌های موجود، می‌توان از زاویه دیگر و با توجه به متون استخراجی از کتاب‌های داستانی این دوره که بدون پیش‌داوری خاصی مفاهیم خانه را روایت کرده‌اند، به بررسی فضاهای کالبدی خانه‌های این دوره پرداخت که علاوه بر شناخت عوامل کیفیت‌زای خانه، ارتباط و نفوذ معماری به داخل متون ادبیات داستانی، نمایان می‌شود.

۳-۲- رابطه معماری و ادبیات

از دیدگاه گلدمن رمان نمایش زندگی روزمره در ساحت ادبیات می‌باشد (گلدمن، ۱۳۷۱، ۲۹). بنابراین ادبیات انعکاس تغییر یافته واقعیت است و فرم ادبی رمان، جلوه‌هایی از انعکاس واقعیت را در خود، نمایان دارد. با گسترش ادبیات داستانی در سده اخیر، استفاده از فرهنگ مردم و ادبیات عامه به عنوان مضامین باظرفیت در اکثر رمان‌ها و داستان‌های کوتاه دیده می‌شوند که نویسندگان جهت نشان دادن فرهنگ مردم، از آن بهره جستند. ادبیات و رمان به دلیل حقیقت‌مانند بودن و ترسیم حقایق، بسیاری از منتقدان را بر آن داشته‌اند تا ادبیات داستانی و رمان را بازآفرینی واقعیت بدانند. از جمله مفاهیم پایه در ادبیات و معماری، مفهوم فضا می‌باشد که در تمامی هنرها، برقراری نوعی فضای عاطفی و روحی، از اهداف هنرمندان به شمار می‌رود.

می‌شود، زیرا تفکرات و اندیشه‌های مختلف نسبت به دوره قبل در فضای فرهنگی و سیاسی غالب می‌گردد و اندیشمندان بیش‌تر از گذشته به روزنامه‌نگاری انتقادی پرداختند (میرعابدینی، ۱۳۹۲، ۴۱۸-۴۱۷). هم‌چنین تا قبل از ۱۳۲۰ داستان کوتاه جدی تلقی نمی‌شد و قسمتی از رمان محسوب می‌شد اما بعد از سال ۱۳۲۰، فرم آن اهمیت می‌یابد و پیچیده‌تر می‌گردد. به واقع، در دهه ۱۳۴۰ است که زمینه لازم برای رشد رمان فارسی فراهم می‌شود (میرعابدینی، ۱۳۹۲، ۵۴۳). در دهه ۱۳۲۰-۱۳۳۰، عمده نویسندگان داستان کوتاه به رئالیسم^۶ روی آوردند و محدودی از آثار، توانستند میان زبان محاوره و عناصر داستان رئالیستی با مضمون اجتماعی رابطه‌ای زنده پدید آورند. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، کم‌کم انتقادات نسبت به مسائل و مشکلات جامعه آغاز گردید و در این دوره، ادبیات داستانی سیاسی با اعتراض خود به شکل نمادین و رمزگونه رویت می‌گردد. سال‌های ۴۰ تا ۵۰ هجری شمسی قلمروهای گوناگون ادبی کشف شده‌اند که باعث به‌کار گرفته‌شدن دستاوردهای فنی ادبی و پیشرفت رمان‌نویسی و نقد ادبی گردیدند. از میان این کتاب‌ها که به تشریح مسائل روز جامعه اشاره دارند، تعدادی علاوه بر آن به توصیف جزئیات زندگی آن دوران مردم نیز پرداخته‌اند.

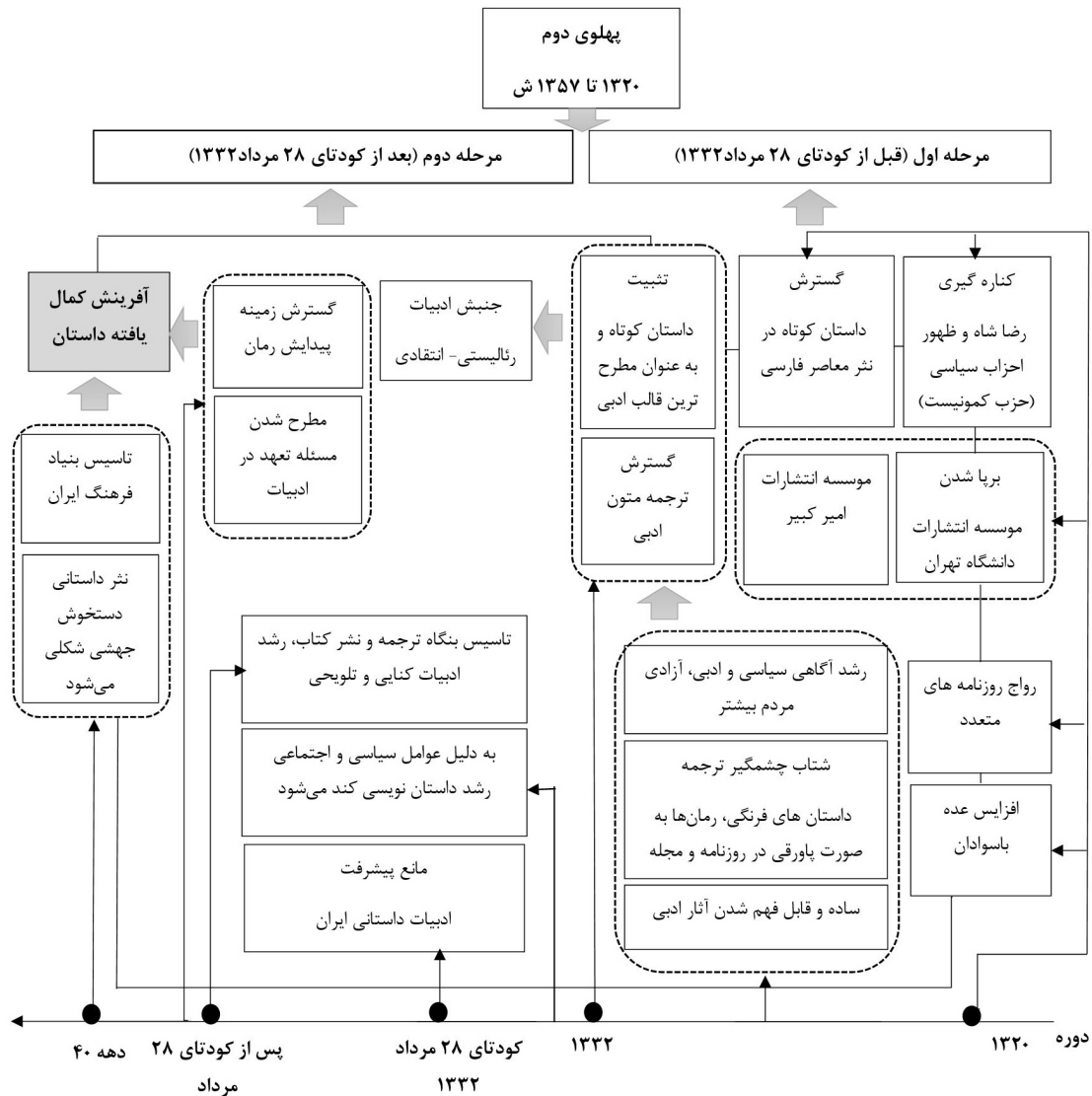
همه‌انگهی نوشتار قصه با فضا و مکان، نظر معمار و یا هنرمند را نیز به مخاطب انتقال می‌دهد و نوع توصیفات هم‌راستا با معماری هم‌زمان می‌باشد (کشاورز نوروپور و کریمی‌فرد، ۱۳۹۳). در ادبیات معنا به‌وسیله علائم زبانی منتقل می‌شود و محتوا حائز اهمیت است (لوکاچ، ۱۳۴۹، ۱۹). کلمات خود به تنهایی دارای معنا نیستند، آن‌ها به عنوان ابزاری می‌باشند که مفاهیم از طریق آن‌ها انتقال داده می‌شوند (سارتر، ۱۳۵۶، ۱۴). اهمیت مکان به قدری است که در برخی نمونه‌های شاخص ادبی، نویسنده داستان را در زمینه مکان و فضا روایت می‌کند و اگر مکان در این داستان‌ها حذف شود یا تغییر کند، داستان به هم می‌ریزد (ارجمندی و یگانه، ۱۳۹۶، ۱۵۳). داستان‌ها چه کوتاه و بلند و نیز رمان‌ها می‌توانند آینه واقعات و حوادث و زندگی مردم هر دوره و تداعی‌کننده کلیات و جزئیات موضوعات مختلفی باشند چرا که یک متن با توصیف واقعاتش در لابه‌لای توضیحاتش، به تصویرسازی در ذهن خواننده می‌پردازد.

در رابطه با تحلیل محتوای متن، برخی معتقدند هرمنوتیک به بررسی فهم متون می‌پردازد که به عبارتی همان تحلیل و تفسیر و روند ادراک فهم می‌باشد. هرمنوتیک کلاسیک در اساس، به معنا و فهم نهایی متن، و نه شناخت مولف می‌پردازد و رویکردی در راستای تبیین و توضیح مفاهیم در حال تغییر است. هرمنوتیک، ساختارهای پیام (متن)، تفسیر مفسر (هرمس) و مخاطبان را مورد توجه قرار می‌دهد و به تغییر ساختار شناخت و کشف زوایای پنهان جهان و طبیعت انسانی می‌پردازد. در مجموع وجوه اشتراک و افتراق هرمنوتیک کلاسیک و مدرن، هر دو سخن از مولف، متن و مفسر متن می‌گویند. عده‌ای از اندیشمندان بر مولف، برخی بر متن و عده‌ای هم بر معنا تاکید داشته‌اند، که در کل این سه موضوع بر فهم و ادراک انسان تاثیرگذار هستند (بخشایش اردستانی، ۱۳۸۶، ۵۵-۶۰).

۳-۳- سیر تاریخی ادبیات داستانی در دوره پهلوی دوم

در یک بررسی کلی، دوره پایه‌گذاری ادبیات داستانی در عصر مشروطه و دوره افراط در جامعه‌گرایی ادبیات داستانی هم مربوط به زمان پس از برکناری رضاشاه می‌باشد ولی به لحاظ کیفی و محتوایی در فواصل بین دهه چهل و پنجاه هجری شمسی، استحکام و ساختارمندی بیش‌تری در ادبیات داستانی دیده می‌شود (احمدی و دیگران، ۱۳۹۳، ۳). پس از کناره‌گیری رضاشاه و ظهور احزاب سیاسی، رواج روزنامه‌های متعدد و افزایش میزان رمان‌های ترجمه‌شده و نیز برپایی موسسه انتشارات دانشگاه تهران و امیرکبیر و تاسیس بنیاد فرهنگ ایران به منصفه ظهور می‌رسند (یارشاطر، ۱۳۸۹). از شهریور ۱۳۲۰ به بعد، در ایران گسست تاریخی در میان جریان روشنفکری مشاهده

شکل ۱: بعد تاریخی پیشرفت ادبیات داستانی در دوران پهلوی دوم



(میرعابدینی، ۱۳۹۲؛ یارشاطر، ۱۳۸۹)

۴. روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش با رویکرد کیفی و تحلیل محتوای متن با کاربست شیوه هرمنوتیک در تحلیل معنا و محتوا می باشد که ابتدا با ابزارهای مطالعاتی اسنادی، به مطالعه کتاب های ادبیات داستانی در بازه زمانی انتخابی پرداخته شده و در ادامه، طبق مدل پژوهش که بر اساس چارچوب نظری ارائه شده، مفاهیم خانه های مسکونی مرتبط با مولفه های کالبدی ساختمانی از نمونه ها استخراج گردیده است. جامعه آماری پژوهش شامل نویسندگان معاصر و مطرح دهه ۲۰ تا ۵۰ می باشد که با توجه به مطالعات انجام شده توسط برخی پژوهشگران از جمله گلزاری و ناظمی راد، هم چنین جوادی و نیز قاسم زاده در زمینه تاریخ ادبیات ایران و ادبیات معاصر ایران، معرفی شده اند. در کنار آثار انتخابی چهار دهه مذکور، برخی آثار نیز در

سال های بعد از انقلاب به نگارش درآمده اند اما محتوایشان دهه های قبل را روایت می کند که در حوزه پژوهش قرار گرفته اند. با توجه به دوران شکوفایی نویسندگان در نیمه دوم پهلوی دوم، اغلب آثار انتخابی جامعه نمونه مربوط به این بازه زمانی است که مکان روایت ها پایتخت کشور و محتوایشان در حیطه معماری مسکونی می باشند. هم چنین داستان های توصیفی واقعی نسبت به داستان های توصیفی خیالی اغراق آمیز، مدنظر بوده اند. از میان نویسندگان و آثارشان، یک رمان بزرگ علوی، دو رمان اسماعیل فصیح (رمان "دل کور" او به عنوان توصیف اواخر پهلوی اول و آغاز پهلوی دوم در راستای مقایسه خانه های این دوره با دهه های بعدی مورد بررسی قرار گرفته است)، یک مجموعه داستان از جلال آل احمد و دو مجموعه از جمال میرصادقی که یکی در اواسط دهه ۴۰ و دیگری در اواخر دهه ۴۰ نوشته شده اند، از غلامحسین

بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند و در نهایت به صورت تطبیقی مقایسه شده‌اند.

۵. یافته‌ها و تحلیل آن‌ها

پس از بررسی اجمالی آثار، در انتها ۹ رمان و مجموعه داستان به صورت هدفمند برای تحلیل محتوای متن انتخاب شدند. در جدول ۱ به معرفی نویسندگان انتخابی و آثار برگزیده‌شان پرداخته شده است.

ساعدی و هوشنگ گلشیری و سیمین دانشور، هر کدام یک اثر انتخاب شده‌اند. با یک جمع‌بندی کلی، معیارهای انتخاب این نویسندگان و کتاب‌هایشان، روایت در بازه زمانی مربوطه، توجه هر چه بیشتر به معماری مسکونی و نیز شهر تهران به عنوان بستر توصیفی این جریانات ادبی بوده‌اند. در انتهای پژوهش، با استفاده از ابزار پیمایش، نمونه‌های موجود شهر تهران در دوره پهلوی دوم با توجه به مولفه‌های مستخرج‌شده از متون داستانی، مورد

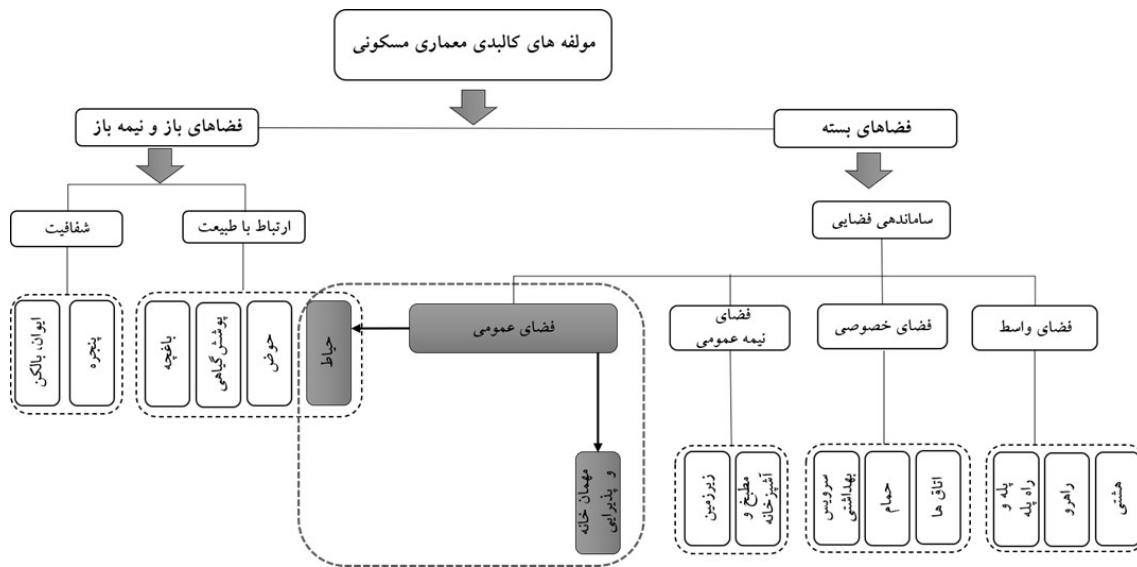
جدول ۱: مشخصات کتاب‌های جامعه نمونه

ردیف	نوع	نام کتاب	سال انتشار	توضیحات	ماخذ
۱		چشم‌هایش	۱۳۳۱	این رمان دهه ۳۰ را روایت می‌کند.	(علوی، ۱۳۸۶)
۲	رمان	دل کور	۱۳۵۱	این رمان دهه ۲۰ تا اوایل ۱۳۵۰ را روایت می‌کند.	(فصیح، ۱۳۶۸)
۳		شهباز و جفدان	۱۳۶۹	این رمان دوره ۱۳۵۰ را روایت می‌کند.	(فصیح، ۱۳۹۵)
۴		خواهرم و عنکبوت	۱۳۲۰	این کتاب شامل چندین داستان کوتاه است که از میان آن‌ها داستان‌های: ۱. گلدسته‌ها و فلک، ۲. جشن فرخنده و ۳. خواهرم و عنکبوت، انتخاب شده‌اند.	(آل احمد، ۱۳۸۹)
۵		چشم‌های من خسته	۱۳۴۵	از میان چندین داستان کوتاه این کتاب، داستان‌های: ۱. کوچهای به نام بهشت رویان، ۲. چشمهای من خسته، ۳. زن نیم برهنه آینه، ۴. کوچ و ۵. شاخه‌های شکسته، انتخاب شده‌اند.	(میرصادقی، ۱۳۵۴)
۶	مجموعه داستان	واهمه‌های بی‌نام و نشان	۱۳۴۶	از مجموعه داستان‌های این کتاب، داستان آرامش در حضور دیگران، انتخاب شده است.	(ساعدی، ۱۳۵۵)
۷		مثل همیشه	۱۳۴۷	داستان انتخاب شده از این کتاب: یک داستان خوب اجتماعی، است.	(گلشیری، ۱۳۵۶)
۸		این شکسته‌ها	۱۳۵۰	این کتاب یک داستان به هم پیوسته و ادامه‌دار این شکسته‌ها، را روایت می‌کند.	(میرصادقی، ۱۳۵۰)
۹		به کی سلام کنم؟	۱۳۵۹	از مجموعه داستان‌های این کتاب، داستان‌های: ۱. درد همه جا هست، ۲. انیس، ۳. کیدالخانین، ۴. به کی سلام کنم؟، ۵. یک سر و یک بالین، انتخاب شده‌اند که دوران قبل از انقلاب را روایت می‌کنند.	(دانشور، ۱۳۸۰)

مورد کاوش پژوهش است، مولفه‌های زیر از متون کتاب‌ها استخراج گردیدند و مطابق شکل ۲، مولفه‌های کالبدی تاکید شده در ادبیات داستانی دوره مذکور در قالب مدل مفهومی و نظری پژوهش معرفی می‌شوند.

با مطالعه و تحلیل محتوای جامعه نمونه پژوهش، ابتدا مفاهیم و مولفه‌های کالبدی معماری مسکونی در دوران روایت داستان‌ها، معرفی شدند و سپس مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با توجه به بعد کالبدی که

شکل ۲: معرفی مدل پژوهش



زیر، به شماره صفحات در سمت چپ علامت، جهت تایید وجود آن زیرمولفه معماری ارجاع داده شده است. همچنین برای سهولت ارجاع‌دهی درون متنی در جدول، از درج حروف الفبا در بالای آن، و نیز اعداد شماره‌گذاری در پایین نام کتاب‌ها، برای این کار استفاده شده است. بدین معنا که حروف "د" در جدول، به معنی مجموعه داستان "خواهرم و عنکبوت" است و اعداد ۱، ۲، ۳ نیز طبق ترتیب شماره‌گذاری در جدول ۱، به ترتیب بیانگر داستان‌های: ۱. گلدسته‌ها و فلک، ۲. جشن فرخنده و ۳. خواهرم و عنکبوت، می‌باشند.

طبق مدل پژوهش، فضاهای بسته، در یک ساماندهی فضایی به چهار دسته: فضای واسط^۷، فضای خصوصی^۸، فضای نیمه‌عمومی^۹ و فضای عمومی^{۱۰} تقسیم‌بندی شده‌اند. برای فضاهای باز و نیمه‌باز، دو مولفه شفافیت و ارتباط با طبیعت مدنظر قرار گرفته‌اند. پس از استخراج این مولفه‌ها، در جدول ۲، به بررسی وجود هر یک از زیرمولفه‌ها در داستان‌های مورد مطالعه، پرداخته می‌شود. وجود هر زیرمولفه با علامت + و عدم ذکر آن در متن کتاب با علامت - نشان داده شده است. زیرمولفه‌هایی که دارای علامت + می‌باشند، هر یک حداقل یک الی چند بار در متن کتاب‌ها مورد اشاره قرار گرفته‌اند که در جدول

جدول ۲: بررسی مولفه‌های کالبدی معماری مسکونی فضاهای بسته، باز و نیمه‌باز در متن کتاب‌ها

مولفه	الف										نام کتاب	بعد کالبدی								
	ی	و	ن	ض	ص	د	ج	ب	ب	الف										
	چشم‌هایش										چشم‌هایش	دل کور	شهباز و جغدان	خواهرم و عنکبوت	چشم‌های من خسته	واهمه‌های بی نام و نشان	مثل همیشه	این شکسته‌ها سلام کنم؟	به کی؟	
	داستان‌های انتخاب شده																			
	۱،۲،۳،۴،۵	۱	۱	۱	۱،۲،۳،۴،۵	۱،۲،۳														
مولفه	زیر مولفه	وجود مولفه	شماره صفحه	وجود مولفه	شماره صفحه	وجود مولفه	شماره صفحه	وجود مولفه	شماره صفحه	وجود مولفه	شماره صفحه	وجود مولفه	شماره صفحه	وجود مولفه	شماره صفحه	وجود مولفه	شماره صفحه	وجود مولفه	شماره صفحه	
فضای واسط	هشتی	+	۱۶۱	+	۸	+	۸۸	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
	راهرو	+	۶۹	+	۱۲۲	+	۶۱	+	۴۲	+	۱۳۶	+	۱۴۵	+	۹۰	+	۷۳	+	۱۸۴	
	پله و راه‌پله	+	۲۰۷	+	۳۷	+	۹۵	+	۴۲	+	۱۵۲	+	۱۷۸	+	۹۱	+	۱۵	+	۲۲۵	
فضای خصوصی	اتاق‌ها	+	۱۶۵	+	۲۵	+	۸۵	-	-	-	۴۵	+	۱۸۶	+	۹۱	+	۲۰	+	۱۷۵	
	حمام	-	-	-	-	+	۱۰۵	+	۳۱	+	۵۲	+	۱۴۵	-	-	-	-	۶۸	+	
	سرویس بهداشتی	-	-	+	۸۷	+	۴۵	-	-	-	-	+	۱۷۳	-	-	-	-	۶۸	+	
فضای نیمه عمومی	مطبخ و آشپزخانه	-	-	+	۹	+	۹۷	+	۲۴	-	-	+	۱۴۷	+	۹۰	-	-	۶۸	+	
	زیرزمین	-	-	+	۱۴	-	-	+	۳۱	+	۱۲۹	-	-	-	-	+	۹۷	-	-	

الف		ب		ج		د		ص		ض		ن		و		ی	
نام کتاب		چشم‌هایش		دل کور		شهباز و جفدان		خواهرم و عنکبوت		چشم‌های من خسته		واهمه‌های بی نام و نشان		مثل همیشه		این شکسته‌ها سلام کنم؟	
بعد کالبدی																	
مؤلفه		مؤلفه		مؤلفه		مؤلفه		مؤلفه		مؤلفه		مؤلفه		مؤلفه		مؤلفه	
زیر مؤلفه		مؤلفه		مؤلفه		مؤلفه		مؤلفه		مؤلفه		مؤلفه		مؤلفه		مؤلفه	
وجود مؤلفه		وجود مؤلفه		وجود مؤلفه		وجود مؤلفه		وجود مؤلفه		وجود مؤلفه		وجود مؤلفه		وجود مؤلفه		وجود مؤلفه	
شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه	
وجود مؤلفه		وجود مؤلفه		وجود مؤلفه		وجود مؤلفه		وجود مؤلفه		وجود مؤلفه		وجود مؤلفه		وجود مؤلفه		وجود مؤلفه	
شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه	
شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه		شماره صفحه	
۱،۲،۳،۴،۵	۱	۱	۱	۱،۲،۳،۴،۵	۱،۲،۳												
مهمان‌خانه و پذیرایی	۸۶	۲۵۵	۱۵۵	۴۷													
فضای عمومی																	
حیات	۱۹۱	۸	۱۱	۷۲													
شفافیت																	
پنجره	۱۶۱	۱۶	۹۳	۱۴۷													
ایوان، بالکن	۱۵۱	۵۲	۴۱	۴۲													
حوض	۱۶۱	۱۴	۱۱	۲۰													
ارتباط با طبیعت																	
باغچه	۱۶۱	۱۴۳	۸۸	۱۲۹													
پوشش گیاهی	۲۶	۶۰	۲۰	۶۱													

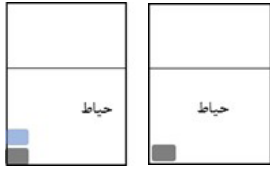
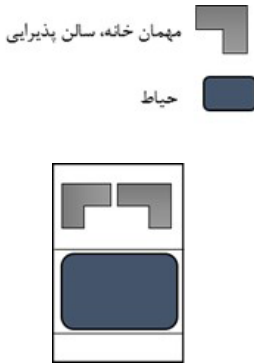
اهمیت و رعایت سلسله‌مراتب و نیز به‌کارگرفتن تمام جزئیات و مفاهیم لازم و ضروری در طراحی یک خانه می‌باشند. در ادامه پژوهش، مولفه‌های استخراجی توسط تحلیل محتوای کتاب‌های نویسندگان انتخابی، به شیوه هرمنوتیک با تصویرسازی کلی از روایت نویسنده‌ها، در جداول ۳ و ۴، تنظیم گردیده‌اند. در این ترسیمات کلی، هر یک از زیرمولفه‌های بیان‌شده توسط نویسنده‌ها به صورت شماتیک و کلی در پلان‌ها و نماهای خانه‌ها با رنگ‌های مشخص و جداگانه‌ای لکه‌گذاری شده‌اند.

با مقایسه مشخصات درج‌شده مولفه‌های کالبدی جدول ۲، به وضوح می‌توان دید که حداکثر بیان توصیفات و جزئیات معماری خانه‌ها در رمان "دل کور" توسط اسماعیل فصیح روایت شده است. چرا که رمان "دل کور" روایت‌گر دهه‌های ۱۳۱۰ الی ۱۳۴۰ هجری شمسی و شامل خانه‌های اواخر پهلوی اول و آغازین پهلوی دوم است که تمامی عناصر کالبدی لازم یک خانه، در توصیفات موشکافانه نویسنده تشریح و به وضوح بیان گردیده‌اند. بنابراین در یک بررسی کلی، خانه‌های اوایل پهلوی دوم، که حداکثر مفاهیم و عناصر را دربرگرفته‌اند، نشان‌دهنده

مولفه	زیرمولفه	توضیحات	تصویرسازی کلی
هشתי	وارد هشתי خانه ما که می‌شد طرف دست راست اطاق پدرم بود (الف: ۱۶۱)، هشתי همیشه تاریک بود (ب: ۸)، وارد هشתי کوچک می‌شویم، بعد می‌گذریم و می‌آییم توی حیاط ... (ج: ۸۸)، هشתי تاریک است (ن: ۱، ۹۱)		
	وارد سرسرا شدم (الف: ۶۹)، از راهروی آجر فرش گذشت و در خانه را باز کرد (ب: ۴)، کوکب خانم وسط راهروی زیرزمین رخت می‌شست (ب: ۱۴)، رسول را آورده بود توی راهروی بین آشپزخانه و زیرزمین نگه داشته بود (ب: ۱۲۲)، بین دو اتاق کوچک و بزرگ، یک راهروی تنگ بود (ب: ۱۴۸)، راهرو بلند و عریض بود (ب: ۱۵۴)، از توی راهرو سراسیمه می‌لنگد می‌آید (ج: ۶۱)، آن قدر راهرو و ... داشت که ... (د: ۳: ۴۲)، دالان باریک و تاریک بود (ص: ۳: ۱۳۶)، آمنه و مه‌لقا آمدند توی راهرو ... (ض: ۱: ۱۴۵)، از در دیگر رفت روی سرسرا (ض: ۱: ۱۸۸)، از هشתי نمود و دالان تاریک و دراز می‌گذرد (ن: ۱: ۹۰)، توی راهرو سفره انداخت و برای حاج آقام شام کشید (و: ۱: ۷۳)، ... تو سرسرا روی دفترچش خم شده بود، ... (ی: ۱: ۱۸۴)	<p>آن طرف حیاط، رو به آفتاب، راه پله‌ای به ایوانی ... منتهی می‌شد (الف: ۱۹۱)، زیر بازوی مرا گرفت تا از روی پله‌های یخ‌زده به زمین نیفتم (الف: ۲۰۷)، در جلوی هشתי ... تا کف کوچه دو پله می‌خورد (ب: ۸)، رفتند بیرون به طرف پله‌های اتاق زیر پله‌های پشت‌بام (ب: ۱۵)، از پله‌های ایوان می‌آمد پایین (ب: ۲۶)، آمد لب پله‌های حوض خونه (ب: ۳۷)، ... و بعد پله‌های پشت‌بام شروع می‌شد (ب: ۱۴۸)، از سه پله جلو اتاق کوچک روی حوض خونه پایین رفت (ب: ۲۶۱)، حیاط بزرگ و خالی است، سه تا پله می‌خورد پایین (ج: ۸۸)، موقعی که او دست آخر راه پله‌های پشت بام را گیر می‌آورد و ... (ج: ۹۵-۹۴)، دیدم به طرف پلکان بام ... (د: ۲: ۲۰)، آن قدر ... و پلکان داشت که ... (د: ۳: ۴۲)، نشست روی پله‌ها و هر چه عزیزم اصرار کرد نیامد توی اتاق (ص: ۱: ۷۲)، روی پله‌های پشت‌بام که ... می‌نشست (ص: ۲: ۱۵۲)، از پله‌ها، پشت سر هم بالا رفتم (ص: ۵: ۴۷)، چراغ‌های راه پله از دم ظهر روشن بود و غیره (ض: ۱: ۱۴۵)، دکتر با مرد چشم آبی روی پله‌ها ایستاده بودند (ض: ۱: ۱۸۸)، پیرمرد اقلیجی روی پله‌های ایوان نشست است (ن: ۱: ۸۹)، ... و از آن طرف هشתי یک راه پله هست که به بالا می‌رود (ن: ۱: ۹۱)، روی پله‌های پشت‌بام، ... هر جا بود، پیدا می‌کردم (و: ۱: ۱۵)، ... به دست سرهنگ می‌دادشان تا روی پله‌های گلخانه جایشان بدهد (ی: ۳: ۲۲۵)</p>	  
پله و راه پله			
اتاق‌ها		<p>پدرم روی صندلی راحت در اطاقش نشسته بود و ... (الف: ۱۶۱)، مادرم در اطاق مجاور سر جانماز نشسته بود (الف: ۱۶۵)، به اتاق پسر دومش علی آمد (ب: ۲۱)، به دیوار اتاق تالار آویزان کرده بود (ب: ۲۲)، دخترها دو به دو توی اتاق‌های بالای آب‌انبار و مطبخ می‌خوابیدند... شوکت و فیروزه توی اتاق پشتی بالای آب‌انبار، عشرت و بهجت توی اتاق بالای آشپزخانه (ب: ۲۵)، اتاق علی و مختار در امتداد این اتاق‌ها زیر پله‌های پشت‌بام بود (ب: ۲۵)، اتاق گلین خانم بالای حوض خونه ... دو تا اتاق دیگر حیاط کوچیکه دست اشرف خانم بود (ب: ۲۵)، به اتاق گوشه پشت‌بام می‌برد. این اتاقک پشتک نام داشت (ب: ۳۰)، چهار اتاق فسقلی آن طرف حیاط کوچیکه، دست مستاجرهای کوکب خانم بود (ب: ۱۴۷)، استاد راز روی کاناپه بلند می‌کنند و روی پاهای خودش به طبقه بالا به اتاق‌های خودش می‌برند (ج: ۸۵)، اول از اتاق مادر عباسعلی شروع کردند به گشتن. همه اتاق‌ها را زیر و رو کردند (ص: ۲: ۱۵۶)، خاله عصمت توی اتاق کناری خوابیده بود (ص: ۵: ۴۵)، ... از توی چایخانه به راهرو و از راهرو به اتاق پذیرایی و از اتاق پذیرایی به اتاق جلو ایوان می‌بردند، (ض: ۱: ۱۸۶)، خانه قدیمی است، سه اتاق دارد (ن: ۱: ۹۱)، توی یکی از اتاق‌های گوشه حیاط می‌نشست و ... (و: ۱: ۲۰)، سه طرف حیاط اتاق داشت و ... (ی: ۲: ۱۷۵)</p>	  

فضای واسط

فضای خصوصی

مолفه	زیرمولفه	توضیحات	تصویرسازی کلی
فضای خصوصی	حمام	<p>اوایل غروب حمام می‌کنم و بعد از اصلاح و لباس پوشیدن، می‌آیم بالا روی تراس (ج: ۱۰۵)، بابام تصمیم گرفته بود حمام بسازد و هفته‌ای هفت روز دود و دمی داشتیم که نگو (د: ۲: ۳۱)، من و حاج آقا و احمد کوچولو، اسباب حمام‌مان را برداشتیم و راه افتادیم و غیره (ص: ۵: ۵۲)، می‌خوان این حموم رو هم بکوبن، پاساژ درست کنن (ص: ۵: ۵۳)، چراغ‌های راه‌پله از دم ظهر روشن بود و در حمام و توالت را بر خلاف همیشه بسته بودند و ... (ض: ۱: ۱۴۵)، حاج اسمعیل حمام سرخانه را گرم می‌کرد، ... (ی: ۴: ۶۸)</p>	
	سرویس بهداشتی	<p>آفتابه مستراح کنار حوض نزدیک چاهک پای درخت یاس بود (ب: ۸۷)، توی اتاق، یک ظرف میوه وسط میز است که ... میوه‌خوری خالی را برمی‌دارم توی دستشویی (ج: ۴۵)، ... و جلو در آشپزخانه که آمنه بیرون آمده و به دیوار کنار دستشویی تکیه کرده بود (ض: ۱: ۱۷۳)، ... دو تا اتاق بزرگ و آشپزخانه و مستراح در اختیارش بود (ی: ۴: ۶۸)، یک بالاخانه روی مستراح برآیم گرفت (ی: ۵: ۱۹۹)</p>	
فضای نیمه عمومی	مطبخ و آشپزخانه	<p>آشپزخانه کوچک پشت اتاق نشیمن بود (ب: ۴)، در گوشه غربی حیاط کوچیکه، پشت مستراح و مطبخ کوچولو، حوض خونه قرار داشت (ب: ۹)، دخترها دوبه‌دو توی اتاق‌های بالای آب‌انبار و مطبخ می‌خوابیدند (ب: ۲۵)، عشرت و بهجت توی اتاق بالای آشپزخانه (ب: ۲۵)، از در عقب ساختمان دو طبقه ساختمان دکتر جانان تو ظهیرالدوله تجربیش می‌آیم توی آشپزخانه (ج: ۹۷)، دویدم سراغ مطبخ مادرم داشت بادمجان سرخ می‌کرد (د: ۲: ۲۴)، صدای زنگ در هم‌چنان از زیر سرپوش لعبی کنار آشپزخانه توی راهرو می‌پیچید (ض: ۱: ۱۴۷)، به در آشپزخانه نگاه می‌کند. در آشپزخانه بسته است (ن: ۱: ۹۰)، آب هم از شیر آب آشپزخانه پایین برمی‌داشت (ی: ۴: ۶۸)</p>	
	زیرزمین	<p>از کنار حوض گذشت و بالای پله‌های زیرزمین ایستاد (ب: ۱۴)، اتاق تالار بالای زیرزمین‌ها و رو به قبله بود (ب: ۲۵)، از ته زیرزمین آن سر حیاط باید دست کم ده بغل هیزم می‌آوردم پای تون حمام که ته مطبخ بود (د: ۲: ۳۱)، توی زیرزمین حبست می‌کنم و یه قفل به چه بزرگی می‌زنم به درش (ص: ۴: ۱۲۹)، توی زیرزمین افتاده ... (و: ۱: ۹۷)</p>	
فضای عمومی	مهمان‌خانه و پذیرایی	<p>در اتاق مهمان‌خانه ما نشسته است (الف: ۸۶)، بفرمایید برویم قهوه را در سالن میل بفرمایید (الف: ۲۵۵)، بالا عبارت بود از اتاق‌های مبله مهمان‌خانه، با فرش‌های کاشان (ب: ۱۵۵)، وقتی به اتاق پذیرایی می‌آیم، ... (ج: ۴۷)، میز غذا را در اتاق مهمان‌خانه چیده بودند (ض: ۱: ۱۶۸)، توی هر اتاق پذیرایی ... گل‌های مصنوعی می‌دید (و: ۱: ۷۹)، به اتاق مهمان‌خانه آمدند و ... (ی: ۲: ۱۷۶)</p>	
	حیاط	<p>دو تا بچه کوچک در حیاط توی آفتاب بازی می‌کردند (الف: ۱۹۱)، خانه هم حیاط درونی داشت و هم حیاط بیرونی (ب: ۸)، از اتاق تالار می‌آمد بیرون، از ایوان می‌رفت پایین توی حیاط (ب: ۸۳)، پایین توی حیاط، زیر چنارها و تبریزی‌های خشکیده و سروهای سبز، ... (ج: ۱۱)، گاهی توی حیاط هم قدم می‌زد (د: ۳: ۴۱)، همه ما جمع بودیم، فرش انداخته بودیم توی حیاط و همه روی آن نشسته بودیم (ص: ۱: ۷۲)، حاجی منو تو حیاط گذاشت (ص: ۲: ۱۶۱)، توی حیاط آمدند. حیاط خلوت بود (ص: ۳: ۱۳۷)، فاصله مهتابی تا سنگ‌فرش حیاط ... (ن: ۱: ۹۵)، حاجیه خانم پشت پنجره اتاقش نشسته بود و توی حیاط را نگاه می‌کرد (و: ۱: ۵۲)، حیاط را آب‌پاشی مفصلی می‌کردیم، ... (ی: ۴: ۷۲)، ... سه دور دور حیاط می‌دوید، ... (ی: ۳: ۲۱۰)</p>	

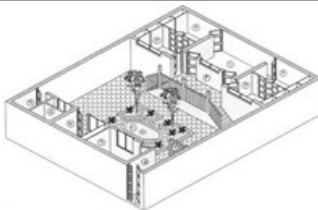
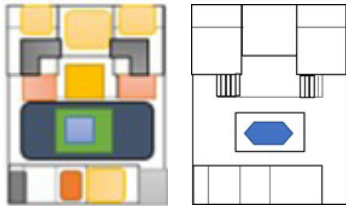
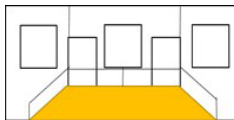
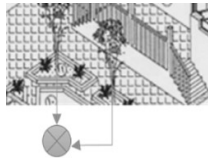

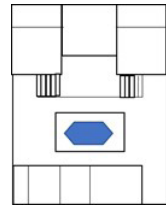
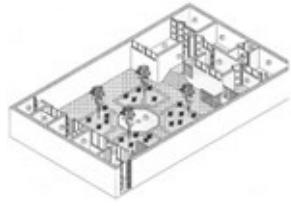
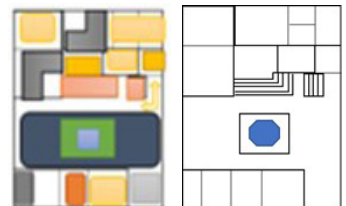

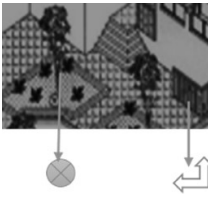

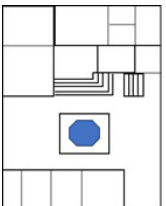
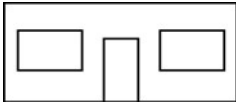
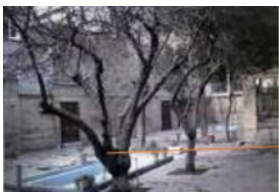

جدول ۴: بررسی مولفه‌های کالبدی معماری مسکونی فضاهای باز و نیمه‌باز در ادبیات داستانی دوره پهلوی دوم در کتاب‌های مورد مطالعه


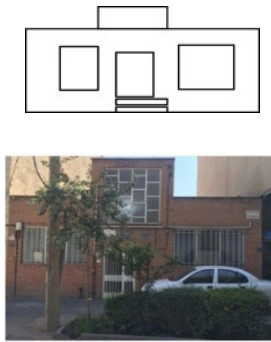
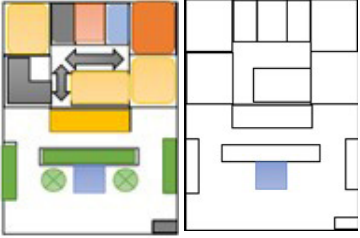
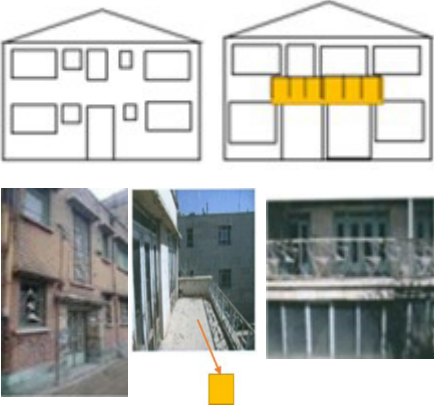

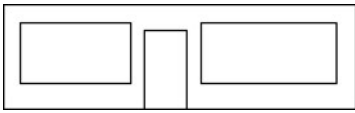

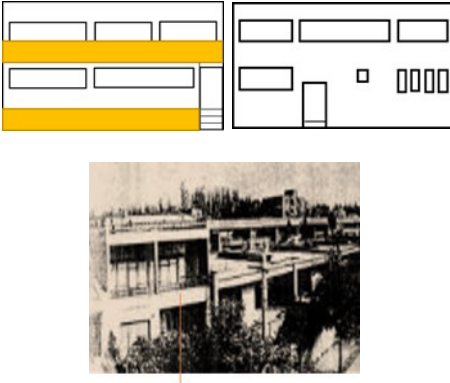
مؤلفه	زیرمؤلفه	توضیحات	تصویرسازی کلی
پنج‌جره	پنج‌جره	<p>آفتاب پاییز بعد از ظهر تمام فضا را غرق نور کرده بود. از پشت پنجره انارهای سرخ و گرد گرفته می‌درخشیدند (الف: ۱۶۱)، از دریچه راهروی زیرزمین مختار را سر پشت‌بام دید (ب: ۱۶)، پشت شیشه‌های درگاهی‌های تالار جمع می‌شدند (ب: ۹۳)، پشت پنجره اتاق فسقلی او، توی حیاط کوچیکه، که حالا با دیوار کلاغ‌پر دار از حیاط بزرگه سوا می‌شد (ب: ۱۴۷)، اتاق رو به قبله‌ای که پنجره‌هایش رو به حیاط باز می‌شد (ب: ۱۵۴)، کوکب خانم توی راهروی فسقلی بین دو اتاق، همان‌جا که همیشه دوست داشت، پای پنجره بزرگ رو به حیاط خواب بود ... پنجره رو به حیاط و رو به کوچه هر دو باز بود (ب: ۱۹۹)، کوکب خانم پنجره بالاخانه رو به کوچه را باز کرده بود و پسرهایش را از دور تماشا می‌کرد (ب: ۲۳۲)، از پنجره صدای اتوبوس‌ها و اتومبیل‌های توی خیابان و صدای گنجشک‌ها و کلاغ‌های روی درخت‌های چنار امیریه می‌آمد (ب: ۲۵۹)، یکی از پنجره‌های پنج‌دری آن ور حیاط باز و ... (ج: ۸۹)، از شیشه پنجره نگاه می‌کنم و استاد انگار حالا مهمان دارد، (ج: ۱۰۵)، من می‌رفتم از پشت شیشه اتاق زاویه تماشا می‌کردم (د: ۱۳: ۱)، پنجره اتاق بالای سرش بود (ص: ۴: ۱۲۷)، سرهنگ رفت جلوی پنجره‌ای که رو به مشرق باز می‌شد و ... (ض: ۱: ۱۵۲)، آفتاب از پنجره کوچک پستو روی رختخواب‌ها افتاده بود (ض: ۱: ۱۸۴)، بالای سردر، یک پنجره مشبک است با شیشه‌های رنگی (ن: ۱: ۹۰)، یک دقیقه هم از پشت پنجره اتاقش کنار نمی‌رفت (و: ۱: ۲۲)، ... به پنجره‌های آهنی خانه‌های مردم می‌گرفت (ی: ۴: ۷۶)</p>	
		ایوان، بالکن	<p>کنار چراغ پایه‌داری در ایوان می‌نشستم و کتاب می‌خواندم، (الف: ۱۵۱)، آن‌ها را چیده بود توی ایوان جلوی تالار (ب: ۵۲)، اوایل بعد از ظهر را هم زیر آفتاب روی تراس به غزلیات شمس با صدای گرفته و بیمار استاد گوش می‌کنم (ج: ۴۱)، آن قدر راهرو و ایوان و ... داشت که ... (د: ۳: ۴۲)، هر سه بلند شدند و دویدند روی ایوان و ... (ض: ۱: ۱۵۴)، پیرزن روی ایوان ایستاده است (ن: ۱: ۹۴)، ... تو ایوان زندانی‌شان کرد و درهای مهمان‌خانه را رویشان قفل کرد (ی: ۱: ۱۸۳)</p>
حوض	حوض	<p>حوض‌مان را آب انداخته بودند (الف: ۱۶۱)، آب حوض بیضی شکل سبز بود (ب: ۱۴)، حوض پر آب است (ج: ۱۱)، بام داشت سر حوض وضو می‌گرفت (د: ۲: ۲۰)، تا سر حوض هم می‌رفت که دست و رو آب بکشد (د: ۳: ۴۱)، یه خونه داره بزرگ بزرگ، ... یه حوض میونش سه تا فواره داره (ص: ۱: ۶۱)، پیرمرد ریزه جلو حوض خم شده بود و سرش را توی آب فرو می‌کرد (ص: ۳: ۱۴۱)، آب حوض سبز است (ن: ۱: ۹۴)، حجت‌الله خان کنار حوض روی فرش نشسته بود و ... (و: ۱: ۱۲)، انیس از عالم و آدم و از ماهی‌های حوض و ... رو می‌گرفت (ی: ۲: ۱۷۰)</p>	
		ایوان، بالکن	<p>بابا داشت باغچه‌ها را آب می‌داد (الف: ۱۶۱)، داربست مو، حوض بیضی، آجرهای نظامی، باغچه‌های حیاط، همه چیز زیر طوفان و باد و باران شسته می‌شد (ب: ۱۴۳)، کنار حوض، بین باغچه‌ها سه صندلی و یک عسلی گذاشته بودند (ب: ۱۶۱)، دو باغچه این ور و آن ور حوض (ج: ۸۸)، توی حیاط را نگاه کرد ... پدرش توی باغچه‌ها می‌گشت (ص: ۴: ۱۲۹)، کلاف سیاه از روی ایوان غلتیده و افتاده است توی باغچه کنار حوض (ن: ۱: ۹۴)، گلدان‌های شمعدانی را از حاشیه باغچه‌ها برمی‌داشتند و ... (ی: ۳: ۲۲۵)</p>
پوشش گیاهی	ارتباط با طبیعت	<p>درخت‌های بلند چنار و انار و شمشاد در تابستان دور حوض سایه مطبوعی می‌انداختند (الف: ۲۶)، حوض بزرگ بیضی شکل، پر از خون، زیر داربست و شاخه‌های خشکیده مو، ساکت و مرده بود (ب: ۶۰)، کاج و تبریزی و چنار... و پیچک‌ها از در و دیوار میرن تو اتاق‌های طبقه بالا (ج: ۲۰)، یه خونه داره بزرگ بزرگ، قد یه باغ، پر از گل و سبزه ... آدم روحش تازه میشه (ص: ۱: ۶۱)، یک درخت انجیر کوتاه و کج و معوج توی باغچه هست که انجیرهایش هنوز نرسیده است (ن: ۱: ۹۴)، ... گل‌های اطلسی را ... آب می‌دادیم، زیر داربست مو می‌نشستیم، ... (ی: ۴: ۷۲)</p>	
		حوض	<p>حوض</p>

شده‌اند. در روند بررسی، وجود اکثر مولفه‌ها در پلان‌های خانه‌ها دیده می‌شوند، با این تفاوت که در خانه‌های نیمه اول پررنگ‌تر و نمایان‌تر هستند که به مرور با کاهش مفاهیم بیان‌شده در خانه‌های موجود، تغییرات تدریجی در پلان خانه‌ها مشاهده می‌گردند. بنابراین توصیفات بیان‌شده در کتاب‌های مورد مطالعه، ویژگی‌های خانه‌ها را در هر دوره و دهه‌ای تا حدودی مشخص می‌کنند که این موضوع، اهمیت و ارتباط نزدیک مفاهیم معماری با ادبیات داستانی را نشان می‌دهد.

در جدول ۵، ۹ نمونه از خانه‌های پهلوی دوم که به عنوان نمونه‌های موردی و موجود در شهر تهران یافت شده‌اند، برای مقایسه تطبیقی با نمونه‌های مطالعه، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در این مقایسه تطبیقی، ابتدا بررسی نمونه‌های کلی ساختمان‌سازی رایج در پهلوی اول و به‌ویژه دوم انجام شده‌اند، سپس هر یک از دهه‌های ۲۰ و ۳۰ و ۴۰ و ۵۰ از پهلوی دوم به طور جداگانه تحلیل شده‌اند. بدین ترتیب تمام زیرمولفه‌های لکه‌گذاری شده در جداول ۳ و ۴، در این نمونه‌های موجود، مشخص و جای‌گذاری

جدول ۵: مقایسه مولفه‌های کالبدی معماری مسکونی جامعه نمونه با نمونه‌های موردی موجود

دوره	ردیف	نمونه مورد بررسی	تصویر بنا و نما	پلان
پهلوی اول و دوم	۱	نمونه ساختمان‌سازی دوره پهلوی اول و دوم	 <p>(زمرشیدی، ۱۳۹۰)</p>   	 
پهلوی دوم	۲	نمونه ساختمان‌سازی دوره پهلوی دوم	 <p>(زمرشیدی، ۱۳۹۰)</p>   	 
نیمه اول پهلوی دوم	۳	کوی چهارصد دستگاه نمونه‌ای از خانه‌های یک طبقه دهه ۲۰	 	 <p>(کیاکجوری، ۱۳۵۱)</p>


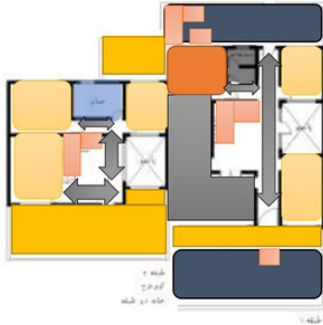
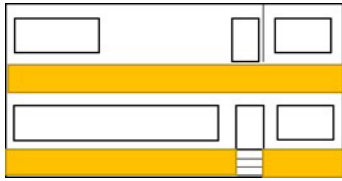



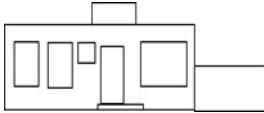
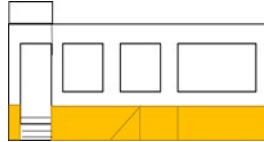

پلان	تصویر بنا و نما	نمونه مورد بررسی	ردیف	دوره
		<p>کوی نارمک نمونه‌ای از خانه‌های یک طبقه دهه ۳۰</p>	۴	<p>نیمه اول پهلوی دوم</p>
		<p>خانه شلویری نمونه‌ای از خانه‌های دو طبقه ۱۳۳۴</p>	۵	
		<p>مجموعه تهران ویلا نمونه‌ای از خانه‌های یک طبقه دهه ۴۰</p>	۶	
		<p>شهرآرا نمونه‌ای از خانه‌های دو طبقه دهه ۴۰</p>	۷	<p>نیمه دوم پهلوی دوم</p>

(کیاکجوری، ۱۳۵۱)

(کیاکجوری، ۱۳۵۱)

(کیاکجوری، ۱۳۵۱)

(طالبی، ۱۳۹۱)

پلان	تصویر بنا و نما	نمونه مورد بررسی	ردیف	دوره
 <p>(کیاکجوری، ۱۳۵۱)</p> 	  <p>(گزارش بانک رهنی، ۱۳۵۰)</p>	کوی صددستگاه نمونه‌ای از خانه‌های دو طبقه دهه ۴۰	۸	دوره پهلوی دوم
 <p>(کیاکجوری، ۱۳۵۱)</p> 	  	کوی مهران نمونه‌ای از خانه‌های یک طبقه اوایل دهه ۵۰	۹	

۶. نتیجه‌گیری

پیشرفت چشم‌گیر ادبیات داستانی در دوره پهلوی دوم، زمینه مناسب را برای بازگویی حوادث و وقایع این دوره توسط نویسندگان فراهم آورده است. بدین صورت که روشنفکران و نویسندگان برای آشنایی مردم و بیداری آنان به لحاظ مسائل اجتماعی و سیاسی، دست به نوشتن و خلق آثاری نمودند تا مردم در کنار خفقان حاکم بر این دوره، علاوه بر آشنایی با مسائل جامعه، در اوضاع تاریک سیاسی- اجتماعی با خواندن کتاب‌های داستانی اعم از

رمان و مجموعه داستان سرگرم شوند. بستر داستان‌های این دوره بیش‌تر رئالیسم و واقع‌گرا بودند، بنابراین در کنار سایر مسائل، زندگانی افراد مختلف از هر طبقه و قشری با جزئیات لازم در برخی کم و در برخی بیش‌تر، توصیف شده است. در کنار محتوای این توصیفات، مسئله مهمی که ارتباط مستقیم با معماری داشته و دارد، خانه‌های محل سکونت افراد بوده‌اند که با جزئیات در لابه‌لای داستان‌ها به آن‌ها پرداخته شده است. هر چند شاید نویسنده‌ای خانه‌ای را در مقایسه با نویسنده‌ای دیگر با اغراق بیش‌تر

حاصل شد که تمامی زیرمولفه‌های مربوط به بعد کالبدی در نمونه‌های مورد بررسی شهر تهران با نسبت متفاوتی وجود دارند. بدین ترتیب که زیرمولفه‌های فضای واسط راهرو، پله و راه‌پله، رعایت حریم خصوصی در اتاق‌ها و سرویس بهداشتی و فضای نیمه‌عمومی مطبخ و آشپزخانه و زیرزمین و نیز فضای عمومی مهمان‌خانه و پذیرایی و حیاط، هم‌چنین رعایت شفافیت با وجود پنجره‌ها و ایوان و بالکن، و در نهایت حداکثر ارتباط با طبیعت با وجود حوض و باغچه و پوشش گیاهی، در خانه‌های پهلوی دوم دیده می‌شوند. از جهتی دیگر، برخی از این زیرمولفه‌ها مانند هشتی نیز در خانه‌های اولیه پهلوی دوم وجود داشته‌اند که به تدریج در اواسط پهلوی دوم و اواخر آن حذف گردیده‌اند. هم‌چنین در دهه ۴۰ به بعد، ایوان تبدیل به بالکن شده و وجود حمام از حالت عمومی در بیرون خانه‌ها به حالت خصوصی در داخل خانه‌ها درآمده است. در نهایت با مقایسه پلان‌های ساختمانی بازه زمانی مربوطه، تغییرات تدریجی اعمال شده در روابط فضایی خانه‌ها، نظیر: در مجاور هم قرارگرفتن حمام و سرویس بهداشتی در داخل خانه‌ها، ورود مطبخ از گوشه حیاط به داخل خانه و نیز حذف تدریجی حوض در حیاط‌ها مشاهده می‌شود. پس در یک جمع‌بندی کلی به جرأت می‌توان گفت که تغییرات تدریجی اعمال شده بر خانه‌های مسکونی هر دوره را می‌توان علاوه بر بررسی معمارانه، از زاویه‌ای متفاوت و با توجه به مرور ادبیات داستانی دوره مربوطه جست‌وجو کرد.

و یا برعکس به طور کلی و خلاصه وصف کند، اما در یک دید کلی به جرأت می‌توان گفت که اکثریت به مفاهیم و اجزای اصلی خانه تا حدودی اشاره داشته‌اند. داستان‌های واقع‌گرا حاوی مطالب مهمی هستند که می‌توان ریشه تحولات و سایر ویژگی‌های مربوط به خانه را در آن‌ها جست. با توجه به بازه زمانی مورد بررسی و موضوع حیطة پژوهش و نیز مکان انتخابی، ۹ اثر از نوع رمان و مجموعه داستان انتخاب و با روش تحلیل محتوای متن، مفاهیم و عناصر استخراج‌شده از این کتاب‌ها در بعد کالبدی طبقه‌بندی شدند. این مفاهیم و عناصر یافت‌شده در هر دو عرصه فضاهای (بسته) و (باز و نیمه‌باز) مطرح گردیده‌اند. همان‌طور که میزان نفوذ هر چه بیش‌تر مولفه‌های معماری و تکرار آن‌ها در داستان‌های بررسی‌شده، نشان‌دهنده اهمیت به فضای واسط و وجود فضای خصوصی و عمومی و نیز تفکیک آن‌ها در کنار رعایت هر چه بیش‌تر شفافیت با لحاظ کردن پنجره‌ها بوده است که در اکثریت داستان‌ها به آن‌ها اشاره شده است و وجود فضای نیمه‌عمومی در یک رده پایین‌تر از فضاهای قبلی نمایان گردیده است، که از میان مولفه‌های معماری پرکاربرد در کتاب‌ها می‌توان به موارد: راهرو، پله و راه‌پله، تعدد اتاق‌ها با کاربری‌های مجزا، وجود حیاط و حوض و تعدد پنجره اشاره نمود. مطابق جدول ۲، میزان حداکثر به‌کارگیری مولفه‌های کالبدی در نوشته‌های اسماعیل فصیح در رمان‌های (دل کور) و (شهباز و جعدان)، بیان شده‌اند که این نشان‌دهنده اهمیت به فضای زندگی و نیز دقت نویسنده به مکان مورد روایت است. با مقایسه تطبیقی در جدول ۵، این نتیجه

پی‌نوشت

1. Christian Norberg-Schulz
2. Martin Heidegger
3. Christopher Alexander
4. Lucien Goldmann
5. Harold M. Proshansky

۶. رئالیسم و واقع‌گرایی واکنشی در مقابل ایده‌آلیسم و رمانتیسم است و نویسندگان اهل این سبک در تلاش‌اند تا رویدادها را همان‌گونه که هستند نشان دهند و توصیفاتی از قبیل رمانتیک‌گونه، اغراق‌آمیز یا صنعت‌گونه در آثارشان کمتر مشاهده می‌گردند. نویسنده رئالیست به علت شباهتش به یک مورخ، عادت و رفتارهای مردم جامعه خویش را بیان می‌کند.

۷. فضاهای ارتباطی یا واسط به عنوان وصل‌کننده قسمت‌های مختلف یک فضا به یک‌دیگر عمل می‌کنند که بخش‌های راهرو و پله و راه‌پله‌ها به‌عنوان مرتبط‌های افقی و عمودی در فضا عمل می‌کنند.

۸. با توجه به این که خانه فضایی خصوصی برای زندگی انسان محسوب می‌شود اما می‌تواند به بخش‌های مجزای فضاهای عمومی و خصوصی هم تقسیم‌بندی شود. فضاهای خصوصی یکی از این عرصه‌بندی‌ها، شامل فضاهای اتاق خواب‌ها، سرویس‌های بهداشتی و حمام هستند و استفاده از این فضاها محدود به عده‌ای خاص است که رفت‌وآمد به صورت عمومی به آن‌ها ممکن نمی‌باشد.

۹. فضاهای نیمه‌عمومی، به لحاظ مالکیت، محدودیت‌های کامل و به طور خصوصی را ندارند، اما با توجه به کارکرد خاص‌شان، نمی‌توانند مورد استفاده همه افراد قرار بگیرند. در این پژوهش فضای آشپزخانه، انباری، گنجه و زیرزمین به دلیل عدم محدودیت کامل جهت استفاده، در این تقسیم‌بندی قرار گرفته‌اند.

۱۰. در مقایسه با فضاهای خصوصی، فضاهای عمومی هیچ‌گونه محدودیتی برای استفاده، حضور در آن و رفت‌وآمد را ندارند. فضای نشیمن، پذیرایی و هم‌چنین حیاط در این عرصه‌بندی جای گرفته‌اند.

فهرست منابع

- آل احمد، جلال. (۱۳۸۹). *خواهرم و عنکبوت*. تهران: نشر روزگار.
- احمدی، اصغر، آفاگل زاده، فردوس، خلیلی، محمدعلی، قبادی، حسینعلی و جوادی یگانه، محمدرضا. (۱۳۹۳). تبیین جامعه‌شناختی تولید گفتمان ادبیات داستانی سیاسی در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۳(۱)، ۳۱-۱. https://journals.ut.ac.ir/article_52461.html
- ارجمندی، سمیرا و یگانه، منصور. (۱۳۹۶). بازخوانی هویت شهر تهران بر اساس خوانش تحولات معماری از ادبیات داستانی ایران. *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، ۹(۲)، ۱۴۹-۱۸۱. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1399417>
- امینی، امیرحسین و سلطان زاده، حسین. (۱۳۹۶). اتمسفر فضا در پدیده‌شناسی به مثابه فضای بدون سطح. *مدیریت شهری*، ۴۹(۱۶)، ۴۶۹-۴۸۷. http://ijurm.imo.org.ir/browse.php?a_code=A-10-1432-71&slc_lang=fa&sid=1&sw=%D8%A7%D9%85%D-B%8C%D9%86%DB%8C
- بخشایش اردستانی، احمد. (۱۳۸۶). هرمنوتیک رویکردی برای شفافیت‌سازی مفاهیم. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۳۷(۳)، ۵۵-۶۶. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=68677>
- پرتوی، پروین. (۱۳۸۲). مکان و بی‌مکانی، رویکردی پدیدارشناسانه. *فصلنامه هنرهای زیبا*، ۱۴(۱۴)، ۴۰-۵۰. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=964>
- تاسکین، تیمو و پالاسما، یوهانی. (۱۳۹۵). *معماری تصویر: فضای وجودی در سینما*. (علی ابهری و مایکل وین- ایس). تهران: نشر کتاب مس.
- حاج‌سیدجوادی، حسن. (۱۳۸۲). *بررسی و تحقیق در ادبیات معاصر ایران*. تهران: گروه پژوهشگران ایران.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۹۳). *قصه شهر، تهران، نماد شهر نوپرداز ایرانی ۱۳۳۲-۱۲۹۹*. تهران: دانشگاه تهران.
- خامسی هامانه، فخر السادات. (۱۳۹۲). جستاری در مشابهت معماری و ادبیات. *چیدمان*، ۲(۴)، ۱۶۰-۱۶۷. <https://ensani.ir/fa/article/325288>
- دانشور، سمین. (۱۳۸۰). *به کی سلام کنم؟*. تهران: انتشارات خوارزمی.
- راهب، غزال و نظری، محیا. (۱۳۹۶). بررسی عوامل موثر بر کارکرد فضای نیمه‌باز خصوصی واحدهای مسکونی شهر تهران. *معماری و شهرسازی آرمان شهر*، ۱۰(۲۱)، ۳۹-۴۸. http://www.armanshahjournal.com/article_58554.html
- زمرشیدی، حسین. (۱۳۹۰). آموزه‌های معماری ایرانی و ساختمان‌سازی مسکونی از دوره قاجاریه تا امروز، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱(۳)، ۱-۱۰. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=137392>
- سارتر، ژان پل. (۱۳۵۶). *ادبیات چیست*. (ابوالحسن نجفی). تهران: کتاب زمان.
- ساعدی، غلامحسین. (۱۳۵۵). *واهمه‌های بی‌نام و نشان*. تهران: انتشارات نیل.
- شوی، فرانسواز. (۱۳۷۵). *شهرسازی، تخیلات و واقعیات*. تهران: دانشگاه تهران.
- طالبی، حامد. (۱۳۹۱). *بهبود الگوی سکونت در کوی شهرآرای تهران با رویکرد حفظ هویت بافت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران: پردیس هنرهای زیبا.
- طهوری، نیر. (۱۳۸۱). سکونت شاعرانه و ساختن جاودانه: بررسی وجوه تشابه در آثار هایدگر و الکساندر. *فصلنامه خیال*، ۳(۳)، ۱۳-۷۰. <https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/582822>
- علوی، بزرگ. (۱۳۸۶). *چشم‌هایش*. تهران: انتشارات نگاه.
- فصیح، اسماعیل. (۱۳۶۸). *دل کور*. تهران: نشر نو.
- فصیح، اسماعیل. (۱۳۹۵). *شهباز و جغدان*. تهران: انتشارات صفی علیشاه.
- فلاحی، منصور. (۱۳۵۵). *باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قاسم‌زاده، محمد. (۱۳۸۳). *داستان نویسان معاصر ایران*. تهران: هیرمند.
- کشاورز نوروزپور، رضا و کریمی‌فرد، لیلا. (۱۳۹۳). تاثیر قصه و ادبیات داستانی بر فضا و معماری. *کنگره بین‌المللی پایداری در معماری و شهرسازی - شهر مصدر، امارات متحده عربی - دبی و ابوظبی، کانون سراسری انجمن‌های صنفی مهندسان معمار ایران، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد امارات*. <https://civilica.com/doc/377837>
- کیاکجوری، خدیجه. (۱۳۵۱). *مشخصات کوی‌ها و مسکن ۹ محله در شهر تهران (جزوه منتشر نشده)*. وزارت آبادانی و مسکن. تهران: دفتر مطالعات و معیارهای ساختمانی.
- گزارش بانک رهنی. (۱۳۵۰). *تلاش‌های عمرانی بانک رهنی ایران*. *مجله هنر و معماری*، ۳(۱۱-۱۰)، ۱۰۹-۱۲۴. <http://www.memar-net.com/fa/node/1381>
- گلدمن، لوسیون. (۱۳۷۱). *جامعه‌شناسی ادبیات دفاع از جامعه‌شناسی رمان*. (محمدجعفر پوینده). تهران: هوش و ابتکار.
- گلزاری، مسعود و ناظمی‌راد حمیدرضا. (۱۳۸۸). *گزیده تاریخ ادبیات ایران، از کهن‌ترین دوران تا امروز*. تهران: نشر کتابدار.
- گلشیری، هوشنگ. (۱۳۵۶). *مثل همیشه*. تهران: کتاب زمان.
- لوکاج، جورج. (۱۳۴۹). *معنای رئالیسم معاصر*. (فریبرز سعادت). تهران: انتشارات نیل.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۴). *سیری در مبانی نظری معماری*. تهران: نشر سروش دانش.

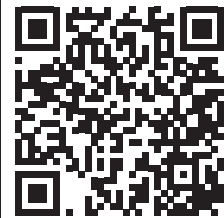
- میرصادقی، جمال. (۱۳۵۰). *این شکسته‌ها*. تهران: انتشارات رز.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۵۴). *چشمهای من خسته*. تهران: سازمان انتشارات اشرفی.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۷). *صد سال داستان‌نویسی در ایران*. تهران: نشر چشمه.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۹۲). *تاریخ ادبیات داستانی ایران*. تهران: انتشارات سخن.
- نوربری شولتز، کریستیان. (۱۳۹۴). *مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی*. ترجمه محمود امیریاراحمدی. تهران: انتشارات آگه.
- یارشاطر، احسان. (۱۳۸۹). *تاریخ ادبیات فارسی، مقدمه‌ای کلی بر ادبیات فارسی، به اهتمام «بنیاد میراث ایرانی» و «مرکز مطالعات ایران‌شناسی» دانشگاه کلمبیا*. (مجدالدین کیوانی). تهران: انتشارات سخن.
- Alborzi, F. & Parvineyan, Sh. (2019). The Appearance of “Meaning” in Place, with an Emphasis on “Phenomenological” Architecture; Case Study: Urban Space of Qazvin’s Sabzeh Meidan. *Armanshahr Architecture & Urban Development Journal*, 12(28), 1-19. http://www.armanshahrjournal.com/article_97317.html
- Hayward, G. (1975). Home as an environmental and psychological concept. *Landscape*. (20), 2-9. <https://www.worldcat.org/title/home-as-an-environmental-and-psychological-concept/oclc/26366379>
- Marefat, M. (1988). *Building To Power: Architecture of Tehran*. 1921 – 1941. Ph.D. Dissertation. Massachusetts Institute of Technology. <https://dspace.mit.edu/handle/1721.1/14535>
- Proshansky, H. M., Fabian, A. K. & Kaminoff, R. (1983). Place-identity: physical world socialization of the self. *Journal of Environmental Psychology*, 3. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9781315816852-26/place-identity-physical-world-socialization-self-1983-harold-proshansky-abbe-fabian-robert-kaminoff>
- Riger, S. & Lavrakas, P. J. (1981). Community ties: patterns of attachment and social interaction in urban neighborhoods. *American Journal of Community Psychology*. (9), 55-66. <https://link.springer.com/article/10.1007/BF00896360>
- Simeoforidis, Y. (1993). *On Landscape and Open Spaces*. Arch. & Behave. https://www.epfl.ch/labs/lasur/wp-content/uploads/2018/05/SIMEOFORIDIS_en.pdf
- Stedman, R. C. (2003). Is it really just a social construction? The contribution of the physical environment to sense of place. *Society and Natural Resources*. (16), 671-685. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/08941920309189>
- Venturi, R. (2002). *Complexity and Contradiction in Architecture*. Harry N. Abrams. https://issuu.com/vietmypham/docs/venturi_robert_complexity_and_contr

نحوه ارجاع به این مقاله

حسینی، سارا، البرزی، فریبا و امینی، امیرحسین. (۱۴۰۱). تبیین مولفه‌های کالبدی معماری مسکونی از ادبیات‌داستانی دوره پهلوی دوم شهر تهران. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۵(۳۸)، ۴۵-۶۲.

DOI: 10.22034/AAUD.2020.230196.2204

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_152311.html



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

